



ناشر تخصصی دروس عمومی
ناشر تخصصی علوم انسانی

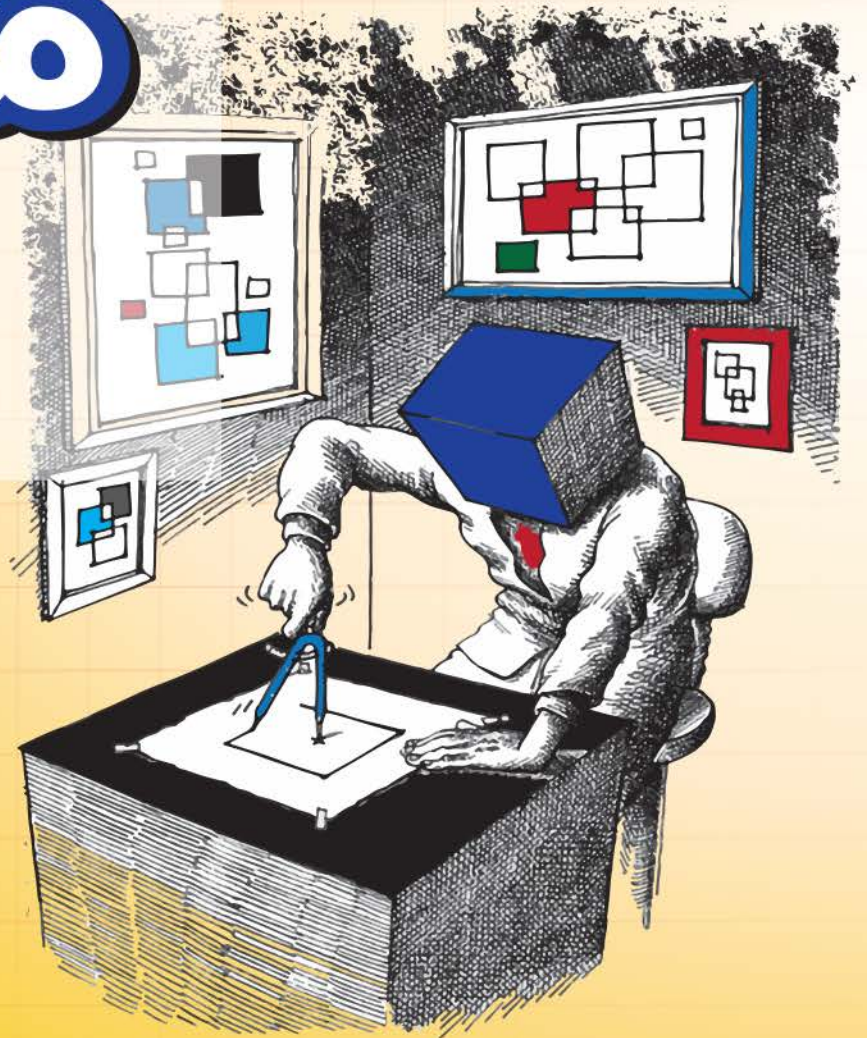
ویرایش جدید

مجموعه کتاب‌های هدف‌دار

منطق

وحید تمنا

درسنامه جامع و آموزشی
استفاده از ۷ منبع در طراحی تست‌ها
۸۴۱ پرسش چهار گزینه‌ای هدف‌دار
پاسخ تشریحی و مشاوره درسی





مجموعه کتابهای هدفدار

منطق ۱۰

وحید تمنا

سخن ناشر

«به علوم انسانی خوش آمدید.» این را کسی به شما می‌گوید که خودش از زمانی که وارد دانشگاه تهران در رشته علوم اجتماعی شد، تا به امروز، همه فعالیت‌های نوشتاری و نشری و آموزشی‌اش بیش از همه، برای رشته علوم انسانی بوده است.

و شما گام در رشته‌ای گذاشته‌اید که در تمام جهان، به عنوان رشته‌ای شناخته می‌شود که «توسعه» در همه ابعاد آن مدیون این رشته است.

و نمی‌شود يك کشور توسعه یافته و پیشرفته به وجود آورد بدون وجود دانش‌آموزان و دانشجویان پویایی که مبانی تفکر توسعه‌ای را شکل داده باشند.

برای قدم گذاشتن در مسیر پیدایش دانش‌آموزان و دانشجویان پویا چند مقدمه - به نظر من - وجود دارد که دوست دارم شما را با آن آشنا کنم.

مقدمه اول: آن است که حس افتخار را در خود پرورش دهیم.

درست است که این حس افتخار وابسته به رفتارها و گفتارهای اطرافیانمان از جمله خانواده، دوستان، معلم‌هایمان و ... است و شاید با توجه به عدم شناختی که از رشته ما دارند، نتوانند این حس افتخار را به ما منتقل کنند اما، شما که می‌توانید. شما می‌توانید با خواندن و دیدن بزرگان علوم انسانی دنیا، متوجه شوید که ارزش رشته‌تان چقدر است.

مقدمه دوم: با درس‌های علوم انسانی به عنوان درس حفظی برخورد نکنید.

شاید خودتان هم به اشتباه گفته باشید که «درس‌های علوم انسانی حفظی هستند و من هم حفظیاتم خوب است» و آمده‌اید به این رشته. من معتقدم هیچ درسی در مدرسه و دانشگاه درس حفظی نیست بلکه متأسفانه ما حفظی می‌خوانیم و حتی به ما حفظی درس می‌دهند. مگر می‌شود درس «اقتصاد» حفظی باشد؟ درسی که اساس هر جامعه مبتنی بر آن است. یا درس علوم و فنون ادبی یا جغرافیا. این‌ها حفظی نیستند بلکه قابلیت «یادگیری» دارند.

مقدمه سوم: به درس ریاضی حمله کنید.

شاید برخی از شما، با درس ریاضی راحت نبوده باشید، اما به شما قول می‌دهم که اگر نگذارید که ترس از ریاضی به شما غلبه کند، همراهیتان می‌کنیم تا ریاضی را خوب یاد بگیرید. شاید الان به خودتان گفته باشید: اصلاً چرا باید ریاضی را خوب یاد بگیرم؟ پاسخ من این است که دو درس در رشته علوم انسانی وجود دارد که به ذهن شما توانایی اندیشیدن منظم و ساختمند می‌دهد. یکی ریاضی است و دومی منطق. علوم انسانی پر است از مفاهیم متنوع و گاه متضاد و پر است از پیچیدگی‌ها. و به همین دلیل، دانش‌آموز و دانشجوی رشته انسانی نیاز دارد که به حوزه نظریه ساختن وارد شود. نیاز به این دارد که مدل‌های مختلف را بسازد و برای همین هم نیاز به تفکر ریاضی و منطقی دارد.

و در نهایت این که آرزو می‌کنم که علوم انسانی توسط شما در این کشور، بیابد و قدرتمند گردد.

وحید تمنا

مقدمه مؤلف

تا سال چهارم دبیرستان در رشته ریاضی و فیزیک درس خواندم. به خاطر علاقه‌ام به حوزه علوم انسانی، در کنکور، رشته علوم انسانی را انتخاب کردم و در آخرین ساعات بین روان‌شناسی و علوم اجتماعی، رشته علوم اجتماعی را انتخاب کردم و دانشجوی دانشگاه تهران شدم. سال‌ها از آن روزها می‌گذرد و من بارها از این رشته دانشگاهی‌ام را در حوزه علوم انسانی انتخاب کرده‌ام، به خودم، کلی کارت تبریک داده‌ام. چرا؟ قبل از این که دلیلم را بگویم از یک موضوع دیگر پرده‌برداری کنم: یادم هست که وقتی می‌خواستم رشته علوم انسانی را انتخاب کنم، پدرم بهم گفت «برای چی؟ برو مهندسی بخون!» و جالبی داستان این بود که خودش علوم انسانی خوانده بود و البته خودش نمی‌توانست در آن زمان برود دانشکده فنی، چون مجبور بود هم کار کند و هم درس بخواند و باید می‌رفت، شبانه درس می‌خواند و شبانه، رشته‌های فنی نداشت. به هر حال پدرم - که سال‌ها دبیری کرده بود- در این موارد هیچ‌گاه نظر خودش را تحمیل نمی‌کرد. و تحمیل نکرد. و اما چرا علوم انسانی و افتخار به آن؟ چندین دلیل دارد و من فقط به یک دلیل می‌پردازم که موضوع این مقدمه نیز هست:

ما تجربه‌های علم طبیعی را بسیار راحت می‌پذیریم حتی بدون این که دلایلش را به طور جدی خوانده باشیم. راحت می‌پذیریم که علت فرود یک سیب از درخت به دلیل نیروی جاذبه زمین است. در واقع اتکا می‌کنیم به دانش دانشمندان علوم طبیعی. اما در حوزه انسان و آنچه که به علوم انسانی مربوط است، ما به باورها و دانش غریزی خود بیش‌تر اعتماد می‌کنیم. اگر سؤال پرسیم که به چه دلیلی ماهواره‌ای که بر گرد زمین در حال چرخش است به چه روشی با زمین در ارتباط است و چگونه پیام‌هایی را از زمین می‌گیرد و دوباره به بخش دیگری از زمین باز می‌گرداند، اگر در رشته‌های ریاضی و فیزیک درس نخوانده باشیم و اگر برنامه‌های علمی را ندیده باشیم یا سکوت می‌کنیم و یا اگر نظری دادیم به احتیاط آن را بیان می‌کنیم و اگر دانشمندی نظر ما بشنود، به راحتی نظر او را قبول می‌کنیم. اما تصور کنید وقتی در مورد روش تربیتی فرزندان از ما سؤالی پرسیده شود و یا اگر پرسیده شود علت گرانی برخی از کالاها نسبت به برخی دیگر از کالاها چیست، همه - تقریباً می‌توان گفت اکثریت قاطع مردم - حتی بدون این که یک کتاب در حوزه روان‌شناسی خوانده باشند و یا یک کتاب در حوزه اقتصاد در مورد این دو مثال نظر می‌دهند و تازه اگر نظر مخالف خودشان را از متخصصین این رشته‌ها بشنوند، در مقابلش جبهه می‌گیرند. و این چالش شما دوستان عزیز است وقتی می‌خواهید وارد دانشگاه شوید و سپس فارغ‌التحصیل شوید. یکی از دلایلی که رشته علوم انسانی از جانب بسیاری از مردم رشته جدی‌ای دیده نمی‌شود، همین است که فکر می‌کنند در این حوزه صاحب‌نظر هستند و نیازی به رشته دانشگاهی نیست!

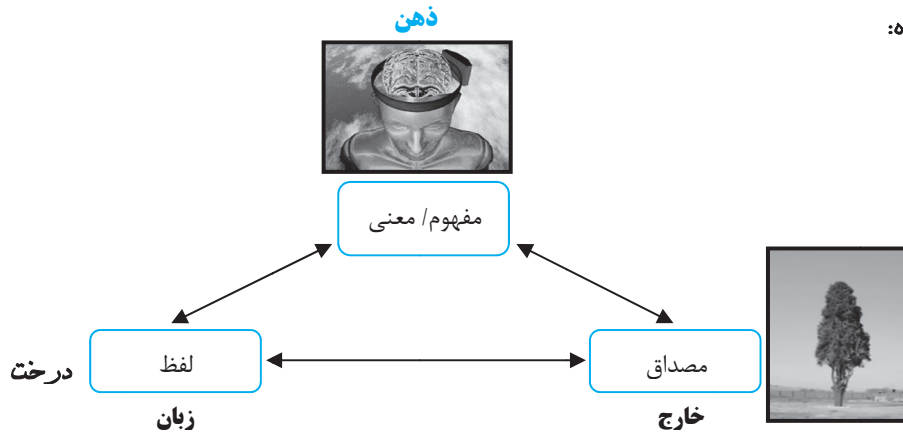
خوب! با این اوصاف من از کدام منظر به تحصیل دانشگاهی خودم در رشته علوم انسانی می‌نازم؟! از این منظر که این چالش و چالش‌هایی از این سنخ همیشه مرا در پویایی نگه داشتند. من به کمک رشته‌ام امور ساده‌ای که مردم به طور عادی انجامش می‌دادند با علامت سؤال دیده‌ام. آنچه که در امور اجتماعی به عنوان امر پذیرفته شده تلقی می‌شد، با دیدگاه شک‌نگریسته‌ام و نمی‌دانید که چه لذتی دارد وقتی می‌بینی که دلایل واقعی‌تر یک امر اجتماعی آن نیست که می‌گویند بلکه آن است که تو کشف می‌کنی.

اما در این میان منطق شاید یکی از مهم‌ترین ابزارهای این نگرش است. بسیار وقت‌ها آدم‌ها از مقدماتی به نتیجه می‌رسند که اساساً مقدماتشان به نتیجه ارتباطی ندارد. منطق مهم‌ترین کاری که با ما انجام می‌دهد، کشف مکانیزم‌هایی است که در مورد یک موضوع در ذهنمان پروانده‌ایم. منطق از آن دسته ابزارهایی است که ما را در قبال یک امر پذیرفته شده، مسلح می‌کند تا آن را دوباره به چالش بکشیم. عادت را بخواهیم بر هم زنیم، عادت را بخواهیم چنان بر هم زنیم که از درون آن، «نو»ها، از درون آن «خلاقیت‌ها»، بیرون زند، فهم منطقی از آن ابزارهاست. خوب بخوانیدش!

و حید تمنا

۶	درس اول: منطق ترازوی اندیشه
۱۵	درس دوم: لفظ و معنا
۲۵	درس سوم: مفهوم و مصداق
۳۷	درس چهارم: انواع و شرایط تعریف
۴۶	درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی
۵۴	درس ششم: قضیهٔ حملی
۶۴	درس هفتم: احکام قضایا
۷۷	درس هشتم: قیاس اقترانی
۸۸	درس نهم: قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی
۹۹	درس دهم: سنجشگری در تفکر
۱۰۹	پاسخنامه تشریحی





تحلیل تصویر فوق:

- مفهوم / معنی در «ذهن» انسان شکل می‌گیرد. (مفاهیم مربوط به درخت: جسم، زنده و ... می‌باشد).
- به آنچه به صورت مفهوم در ذهن انسان وجود دارد، لفظی تعلق گرفته است. (لفظ درخت)
- آن لفظ در بیرون از ذهن می‌تواند وجود داشته باشد. (درخت واقعی که خارج از ذهن ما وجود دارد).
- هر خطایی در هر کدام از بخش‌های سه‌گانه فوق، موجب خطا در دو بخش دیگر خواهد شد. مانند:
اگر تلفن دوستان را اشتباه حفظ کنید، یعنی **خطای ذهنی** داشته باشید، در این صورت وقتی تلفن او را می‌گیرد، با کسی دیگر حرف خواهید زد
یعنی خطای ذهنی منجر به **خطای خارجی** شده است.

نکته

- وظیفه منطق، جلوگیری از خطای ذهن و اندیشه است. یعنی منطق به دنبال این است که با جلوگیری از خطاهای ممکن در ذهن، راه را بر خطاهای دیگر در حیطه زبان و حیطه عالم خارج ببندد.
- به دلیل وجود رابطه میان «حیطه زبان با ذهن»، مبحث «رابطه لفظ با معنا» مطرح شده است. (درس دوم می‌خوانیم).
- به دلیل وجود رابطه میان «حیطه ذهن با خارج»، مبحث «مفهوم با مصداق» مطرح شده است. (درس سوم می‌خوانیم).
- این واژه‌ها را با دقت در یاد نگه دارید چرا که در طرح پرسش و تست از آن استفاده می‌شود:
- تصور = مفهوم = معنا = صورت ذهنی = مدلول
- مفهوم = آنچه از لفظ فهمیده می‌شود.
- معنی = آنچه از لفظ قصد شده است.
- مدلول = آنچه لفظ بر آن دلالت دارد.

علت بیان بحث رابطه لفظ و معنا:

زیرا وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه و ذهن است و ذهن با دو حیطه «زبان (الفاظ)» و «جهان خارج» ارتباط دارد.

چرا در منطق به بحث «الفاظ» می‌پردازیم؟

چرا در منطق به بحث «الفاظ» می‌پردازیم؟

- بیاید یک لحظه سعی کنید بدون استفاده از لفظ، فکر کنید. چه شد؟ توانستید؟ آیا توانستید بدون استفاده از «زبان»، فکر کنید؟ پاسخ خیر است. ما همیشه از «زبان» استفاده می‌کنیم که در اینجا به آن «لفظ» می‌گوییم.

نتیجه: «برای بیان و انتقال افکار، از الفاظ استفاده می‌کنیم.»

«آیا منطق در بررسی الفاظ، از زبان خاصی استفاده می‌کند؟»

- علم منطق، به زبانی خاص وابسته نیست.
- علم منطق، وارد قواعد صرف و نحوی نمی‌شود.
- علم منطق، به اصول کلی از زبان می‌پردازد که به ما در شناختن خطاهای اندیشه کمک می‌کند.
- دو مورد از مواردی که منطق، در حوزه زبان به آن می‌پردازد: ۱- اشتراک در لفظ ۲- اشتراک در معنا.

اشتراک لفظ

تعریف: یک لفظ، با معنای مختلف، اشتراک لفظ نامیده می‌شود.

مثال از کتاب درسی

♦ او سیر است. سیر بد بو است؛ پس او بد بو است!

آنچه در «اشتراک لفظ» روی می‌دهد این است که به طور مثال لفظ «سیر» که دو معنی مختلف دارد در یکی از مقدمه‌های استدلال فوق، به یک معنی و در مقدمه دیگر به معنی دیگر می‌آید و به همین دلیل نیز «نتیجه» استدلال نادرست می‌شود.

مثال از کتاب درسی

◆ انگور شیرین است، شیرین معشوق فرهاد است؛ پس انگور معشوق فرهاد است.
در اینجا نیز، لفظ «شیرین» در دو مقدمه به دو معنی مختلف به کار رفته است.
در واقعیت اشتراک لفظ پیچیده‌تر از مثال‌های فوق است. در واقعیت، گوینده سعی می‌کند معنای دوگانه یک لفظ را مخفی کند که شنونده به راحتی، متوجه‌اش نشود. در مثال‌های زیر بیشتر خواهیم گفت.

مثال از کتاب درسی

◆ فردی دو ساعته، پیاده از تهران به مشهد رفت!
در این مغالطه، گوینده «دو ساعته» را به معنای «کسی که دو تا ساعت دارد، گرفته است.» در حالی که اولین باری که این جمله را می‌شنویم یا می‌خوانیم به ذهنمان این مورد تداعی نمی‌شود بلکه تداعی که ذهن ما دارد این است که او در عرض دو ساعت خودش را با پای پیاده به مشهد رسانده است.

◆ روزی راننده‌ای به پیچی رسید؛ خم شد و آن را برداشت!
در این مغالطه نیز، همانند مثال بالا، دو معنا از «پیچ» در ذهن وجود دارد.

مثال از کتاب درسی

◆ او و همسرش پنج سال اختلاف داشتند.
در این مغالطه، گوینده دو منظور می‌تواند داشته باشد و مشخص نیست که منظورش کدام یک است.

معنای اول: او و همسرش پنج سال اختلاف سنی داشتند.

معنای دوم: او و همسرش پنج سال با هم اختلاف داشتند.

◆ آن‌ها از ما چند عکس گرفتند.

در این مغالطه، گوینده دو منظور می‌تواند داشته باشد و مشخص نیست که منظورش کدام یک است.

معنای اول: آن‌ها از ما چند عکس انداختند. (عکس گرفتن در معنای عکس انداختن)

معنای دوم: آن‌ها از ما چند عکس گرفتند. (عکس گرفتن در معنای دریافت کردن چند تا عکس از ما)

◆ این کتاب قیمت ندارد.

معلوم نیست که منظور گوینده از «قیمت»، در این عبارت کدام یک از معنای زیر است:

معنای اول: این کتاب بی‌ارزش است. (قیمت به معنای ارزش می‌توان گرفت.)

معنای دوم: این کتاب قیمتش مشخص نیست. (قیمت مبلغی آن ذکر نشده است.)

معنای سوم: این کتاب بسیار ارزشمند است. (آن قدر ارزشمند است که نمی‌توان روی آن قیمتی گذاشت.)

◆ اشتراک لفظ، یکی از شایع‌ترین انواع خطاهای ذهنی است که توسط مغالطه‌کاران نیز بسیار استفاده می‌شود.

◆ مولوی در مورد اشتراک لفظ می‌گوید: «اشتراک لفظ دائم رهن است.»

تک

اشتراک در لفظ می‌تواند در «اسم و صفت» باشد، می‌تواند در «حرف» باشد و می‌تواند در «فعل» باشد. به همین دلیل برای بررسی یک عبارت، به هنگام تشخیص نوع مغالطه به همه موارد دقت کنید.

الفاظ مترادف (اشتراک معنا)

◆ **الفاظ مترادف:** گاه چند لفظ دارای یک معنا هستند که به آنها الفاظ مترادف گویند.

– **مثال:** «انسان و بشر»؛ «خوب و نیک»؛ «روش، مِتْد»

مثال معروف در این زمینه، شعر مولوی است که چند نفر که زبان مشترک نداشتند، می‌خواستند با پولی که داشتند غذایی بخرند و هر کدامشان به زبان خود «انگور» می‌خواست اما با هم به دعوا افتادند چون نمی‌دانستند که الفاظی که به کار می‌برند، معنای یکسانی دارد.

تذکر مهم با استفاده از کتاب معلم درس منطق

برخی از مثال‌ها، مغالطه نیستند بلکه خطاهای گفتاری یا نوشتاری هستند.

برخی از مثال‌ها مغالطه نیستند بلکه مغالطه‌خیز هستند. هدف گوینده به خطا انداختن نبوده اما فرد ممکن است اشتباه کند.

برخی از مثال‌ها مغالطه هستند و تعمدی شنونده یا خواننده را می‌خواهند دچار خطا کنند.

نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

- مفهوم دلالت: در عبارت «الف» دلالت می‌کند بر «ب»، منظور از «دلالیت» این است که الف از ب حکایت می‌کند. پس دلالت به معنای «حکایت‌گری» و «راهنمایی» است. به طور مثال وقتی لفظ «ارسطو» را می‌شنویم «ارسطو» دلالت می‌کند به «نام یک شخص».
- مفهوم دلالت لفظ بر معنا: «ذهن با شنیدن آن لفظ به سوی معنای آن هدایت می‌شود.»
- انواع دلالت لفظ بر معنا: ۱. دلالت مطابقی ۲. دلالت تضمینی ۳. دلالت التزامی
- جدول زیر را با دقت مطالعه کنید و یادتان باشد که مقایسه‌ای ببینید:

انواع	مفهوم	مثال	توضیح مثال
دلالت مطابقی	دلالت مطابق با معنای اصلی لفظ است.	خانه‌ای خریدم.	خریدن به همه لفظ خانه اطلاق شده است.
دلالت تضمینی	دلالت بخشی از معنای اصلی لفظ را دربر می‌گیرد.	خانه‌ام را رنگ کردم.	رنگ زدن به بخشی از خانه اطلاق شده است.
دلالت التزامی	دلالت خارج از معنای اصلی لفظ است. (نه بر خود لفظ بلکه بر لازمه‌های شیء دلالت می‌کند).	خانه‌ام را دزد برد.	دزدیده شدن به خانه اطلاق نشده است، بلکه بر اثاثیه خانه اطلاق شده است.

چند نکته

۱. هرگاه از یک لفظ، معنای مجازی آن مدنظرمان باشد، حتماً منظور «دلالت التزامی» است. به طور مثال: وقتی می‌گوییم «فلانی شیر است.» «شیر» در این جا اشاره به «شجاع» دارد.
۲. وقتی به بخشی از یک لفظ اشاره داریم نه همه آن، منظورمان دلالت تضمینی است. به طور مثال: وقتی می‌گوییم پیراهنم پاره شد منظورمان بخشی از پیراهن است.
۳. میان لفظ و معنا در دلالت تضمینی رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. (درس سوم توضیح خواهیم داد).
۴. میان لفظ و معنا در دلالت التزام رابطه تباین وجود دارد. (درس سوم توضیح خواهیم داد).
۵. در ادبیات، برخی از انواع «جناس» موجب ایجاد مغالطه اشتراک لفظ می‌شود. مثال: «گر آدمم به کوی تو چندان غریب نیست/ چون من در آن دیار هزاران غریب است.» غریب در مصرع اول، به معنای «بعید و دور» است و در مصرع دوم به معنای «فرد ناآشنا و غریبه» است.

مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات:

- به‌کار بردن دلالت مطابقی، به جای تضمینی و التزامی به خطایی منتهی می‌شود که آن را «مغالطه توسل به معنای ظاهری» می‌نامند. (نام دیگر آن، مغالطه توسل به معنای تحت‌اللفظی است).

مثال‌هایی از منابع دیگر

- ♦ (الف) ما گفته بودیم تا این تاریخ برای شما یک خط تلفن می‌کشیم که کشیدیم، نگفته بودیم که حتماً تا این تاریخ تلفن شما کار خواهد کرد. روش تشخیص مغالطه در مثال الف: ابتدا ببینید کدام لفظ است که مورد تأکید قرار گرفته است؟ بله، «تلفن» مورد تأکید است. گوینده در گذشته، وقتی از کشیدن خط تلفن حرف زده است، شنونده را دچار این خطا کرده است که کشیده شدن خط تلفن به معنای آن است که تلفن او کار نیز خواهد کرد. در واقع در این عبارت از مغالطه توسل به معنای ظاهری «کشیدن خط تلفن» استفاده شده است.
- ♦ (ب) اگر به متن خبری که ما به روزنامه اعلام کردیم و چاپ هم شد مراجعه کنید، می‌بینید که ما گفته بودیم با حضور رئیس‌جمهور این کارخانه افتتاح شد، ما نگفتیم که کارخانه راه‌اندازی و بهره‌برداری شد. روش تشخیص مغالطه در مثال ب: در این عبارت، آنچه مورد تأکید است «کارخانه» است که گوینده، افتتاح شدن را به معنی تحت‌اللفظی آن یعنی باز شدن در کارخانه گرفته است؛ در حالی که مردم موقع خواندن این خبر، آن را به معنای راه‌اندازی آن گرفته‌اند.

دو پرسش مهم و پاسخ‌های آن

- پرسش اول:** در عبارت «الف» مغالطه‌گر (گوینده عبارت) و شنونده به ترتیب، کدام نوع از انواع دلالت لفظ بر معنا را در نظر داشته‌اند؟
پاسخ: گوینده، دلالت مطابقی را در نظر داشته است: کشیدن خط تلفن به معنای واقعی کشیدن خط تلفن که انجام شده است. شنونده، دلالت التزام را در نظر داشته است: کشیدن خط تلفن را به معنای کار کردن خط تلفن در نظر داشته است.
- پرسش دوم:** در عبارت «ب» مغالطه‌گر (گوینده عبارت) و شنونده به ترتیب، کدام نوع از انواع دلالت لفظ بر معنا را در نظر داشته‌اند؟
پاسخ: گوینده، دلالت مطابقی را در نظر داشته است: افتتاح به معنای گشوده شدن است یعنی رئیس‌جمهور، در کارخانه را گشوده است! شنونده، دلالت التزام را در نظر داشته است: افتتاح به معنای شروع به کار کردن و راه افتادن خط تولید.

پرسش‌های کنکوری و تکمیلی

سه حیطة

۱۵۲. به ترتیب بگویید: در عبارت‌های «انسان پنج حرف دارد»، «ان+سان برای زنده ماندن به غذا نیاز دارد»، «داشتم به انسان فکر می‌کردم» «انسان»، ناظر به کدام مورد است؟

- ۱ زبان - خارج - ذهن ۲ لفظ - واقع - مصداق ۳ لفظ - واقع - زبان ۴ زبان - خارج - مصداق

۱۵۳. در عبارت «نرگس چشم تو آواره‌ام کرد»، «نرگس» اشاره به کدام حیطة دارد؟

- ۱ خارج از ذهن ۲ لفظ ۳ ذهن ۴ زبان

۱۵۴. نسبت‌های «کتاب به معنای آن» و «کتاب به مصداق آن» به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱ حیطة زبان به حیطة ذهن - حیطة واقع به حیطة ذهن ۲ حیطة زبان به حیطة واقع - حیطة زبان به حیطة واقع
۳ حیطة زبان به حیطة ذهن - حیطة زبان به حیطة واقع ۴ حیطة ذهن به حیطة زبان - حیطة واقع به حیطة زبان

۱۵۵. فردی در گوشی همراهش، اسم دوستش «علی» را با عنوان علی ثبت کرده است. بعد از مدتی می‌خواهد به علی زنگ بزند اما بعد از تماس متوجه می‌شود می‌خواسته به دوست دیگری که او هم اسمش علی است، تماس بگیرد، بگوید علت این خطا در کدام گزینه به درستی تبیین شده است؟

- ۱ خطای ذهنی باعث ایجاد خطای خارجی شده است. ۲ خطای لفظی باعث ایجاد خطای ذهنی شده است.
۳ خطای لفظی باعث ایجاد خطای خارجی شده است. ۴ خطای واقعی باعث ایجاد خطای واقعی شده است.

۱۵۶. در تست بالا اگر همان فرد بعد از مدتی دوباره به لیست تلفن خود نگاه می‌کرد و به یاد نمی‌آورد که علی ثبت شده در گوشی همراهش کدام یک از دوستان اوست، چه خطایی شکل گرفته است؟

- ۱ خطای ذهنی ۲ خطای لفظی ۳ خطای خارجی ۴ خطای واقعی

مطالب ترکیبی

۱۵۷. کدامیک از موارد زیر در ارتباط با «مبحث الفاظ در منطق» درست نیست؟

- ۱ علم منطق، وابسته به زبانی خاص نیست. ۲ خطا در الفاظ موجب خطا در اندیشیدن می‌شود.
۳ در علم منطق، وارد قواعد صرف و نحوی نمی‌شویم. ۴ اصول کلی که در زبان فارسی مطرح است.

۱۵۸. در این استدلال چه مغالطه‌ای وجود دارد؟ «خانه‌آرزان، کمیاب است، هر چیز کمیاب گران است؛ پس: خانه‌آرزان گران است.»

- ۱ مغالطه توسل به معنای ظاهری ۲ مغالطه بار ارزشی کلمات
۳ مغالطه شیوه نگارش کلمات ۴ مغالطه اشتراک لفظ

۱۵۹. وقتی می‌گوییم «رضا دوست چهل ساله من است» به کدام دلیل امکان وجود مغالطه در این عبارت وجود دارد؟

- ۱ بار ارزشی کلمات ۲ اشتراک در لفظ ۳ شیوه نگارش کلمات ۴ ابهام در عبارات

۱۶۰. در عبارات «این خانه قیمت ندارد» و «آنها از ما چند عکس گرفتند.» به ترتیب کدام نوع از مغالطه‌ها می‌تواند وجود داشته باشد؟

- ۱ بار ارزشی کلمات - اشتراک در لفظ ۲ اشتراک در لفظ - اشتراک در لفظ
۳ شیوه نگارش کلمات - ابهام در عبارات ۴ ابهام در عبارات - ابهام در عبارات

۱۶۱. اگر فردی در یک عبارت بگوید: «درخت‌هایم را به غارت بردند» ولی درختانش در سر جای خود باقی مانده باشند، امکان وقوع کدام نوع مغالطه وجود دارد؟

- ۱ توسل به معنای ظاهری ۲ اشتراک در لفظ ۳ بار ارزشی کلمات ۴ ابهام در عبارات

۱۶۲. به ترتیب بگویید دلالت «سقف پر دیوار»، «ماشین بر راننده»، «خانه بر اتاق» چه نوع دلالت‌هایی هستند؟

- ۱ التزام - التزام - تضمن ۲ تضمن - التزام - تضمن ۳ مطابقه - تضمن - التزام ۴ مطابقه - التزام - التزام

۱۶۳. فرض کنید که در شهر تهران مسابقه‌ای برگزار می‌شود و جایزه آن بلیط رفت و برگشت به یکی از شهرها تعیین می‌شود. در نهایت به برنده مسابقه، بلیط شرکت واحد اتوبوس‌رانی به شهر ری داده می‌شود. برگزارکنندگان مسابقه دست به چه مغالطه‌ای زده‌اند؟

- ۱ اشتراک لفظ ۲ بار ارزشی کلمات ۳ ابهام در عبارات ۴ توسل به معنای ظاهری

۱۶۴. در مورد این عبارت بگویید که چه نوع مغالطه‌ای در آن به کار رفته است؟ «بنده در سخنرانی‌ام گفتم که حزب ما از دو سال پیش فعالیت‌های خود را آغاز کرده، ولی این بدین معنی نیست که رسماً و علناً وارد فعالیت‌های سیاسی شده باشد بلکه ما شروع به فعالیت‌های تحقیقی و جلب نیرو کرده‌ایم.»

- ۱ اشتراک لفظ ۲ بار ارزشی کلمات ۳ ابهام در عبارات ۴ توسل به معنای ظاهری

۱۶۵. «من از راهنمایی شما پشیمانم.» و «اجناس دزدیده شده توسط مأمورین کشف شد.» به ترتیب می‌تواند چه نوع مغالطه‌ای را ایجاد کند؟

- ۱ ابهام در عبارات - نگارشی کلمات ۲ بار ارزشی کلمات - نگارشی کلمات
۳ ابهام در عبارات - توسل به معنای ظاهری کلمات ۴ بار ارزشی کلمات - توسل به معنای ظاهری کلمات

۱۶۶. به ترتیب بگویید که «غلط‌های املائی» و «علائم سجاوندی» در صورتی که نادرست باشند، چه مغالطه‌ای ایجاد می‌کنند؟

- ۱ ابهام در عبارات - نگارشی کلمات ۲ نگارشی کلمات - نگارشی کلمات
۳ ابهام در عبارات - ابهام در عبارات ۴ بار ارزشی کلمات - نگارشی کلمات



ریز مباحث درس سوم



- مفاهیم کلی و جزئی
- استفاده از نسبت‌های چهارگانه در طبقه‌بندی مفاهیم

- مفهوم و مصداق
- رابطه میان مصادیق دو مفهوم کلی

مفهوم و مصداق

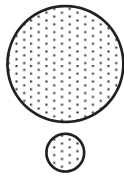


بدون درک مفهوم و مصداق نمی‌توان به درک درستی از مطالبی که خواهیم گفت، دست یافت. به همین دلیل، معنای «مفهوم» و «مصداق» را کمی بیشتر از آن‌چه در کتاب درسی آمده است، توضیح خواهیم داد.

- مفهوم، اشاره دارد به معنایی که ما از کلمات درک می‌کنیم.

- مصداق، اشاره دارد به **افراد یا اشیا** که آن مفهوم در جهان خارج از ذهن ما دارد.

با یک مثال همراه شوید:



یک دایره را فرض کنید که نام آن را می‌گذاریم دایره درخت و تمامی درختانی که در کره زمین وجود دارند، نقطه‌های درون دایره درخت در نظر می‌گیریم. به تمام آن درختان که در واقعیت (عالم خارج از ذهن، عالم واقع) هستند، مصادیق درخت می‌گوییم.

◀ حال در نظر بگیریم که می‌خواهیم بگوییم درخت سرو. اولین اتفاقی که می‌افتد، این است که دایره بالا کوچک‌تر می‌شود. یعنی مصادیق درخت سرو کم‌تر از مصادیق درخت است.

خوب! اگر بگوییم «درخت سرو حیاط خانه ما»، این دایره از دایره بودن تبدیل به یکی از نقطه‌های داخل دایره می‌شود. چرا؟ چون خانه ما فقط یک درخت سرو دارد.

◀ پس **مصداق** می‌شود «آن‌چه مفهوم در عالم خارج از ذهن به آن اشاره می‌کند». (به من بگویید که مصادیق خانه چیست؟ درست گفتید تمام خانه‌هایی که در هر کجای زمین باشند.)

◀ حالا برویم سراغ درک «مفهوم». هر مفهومی در ذهن ما، برای این‌که شناخته شود و با بقیه مفاهیم **تمایز** داشته باشد، باید دارای اجزایی باشد (اصطلاحاً می‌گوییم **اجزای عقلی**). بیاید مفهوم مثلث را در نظر بگیریم. ما برای درک مفهوم مثلث باید اجزایی را بشناسیم که اگر آن اجزا را بشناسیم، مثلث را شناخته‌ایم. اگر بدانیم «شکل» و «سه ضلعی» چیست، آن‌وقت می‌فهمیم مثلث، «شکل سه ضلعی» است.

از یک زاویه دیگر نیز «مفهوم و مصداق» را بررسی کنیم:

وقتی ما به یک مفهوم، مثلاً مفهوم «درس»، یک مفهوم دیگر مانند «منطق» اضافه می‌کنیم و می‌شود «درس منطق»، در این صورت مفاهیم بیشتر می‌شوند ولی مصداق‌ها کمتر می‌شوند. در واقع می‌توانیم بگوییم که:

مفهوم و مصداق رابطه عکس دارند، هر چقدر به مفهوم اضافه شود، مصداق کم‌تر می‌شود و بالعکس

یک موضوع خیلی مهم:

وقتی از ما بپرسند که از بین «مثلث» و «مثلث متساوی‌الساقین» کدامیک، دارای مفهوم بیشتر (یا مصداق کمتری) است، چه می‌گوییم؟ به احتمال زیاد درست پاسخ دادید: «مثلث متساوی‌الساقین»

حال اگر از ما بپرسند که از بین «مثلث» و «شکل» کدامیک، دارای مفهوم بیشتر (یا مصداق کمتری) است، چه خواهیم گفت؟ اینجا دیگر معیار این نیست که بگویید تعداد کلمات کدامیک بیشتر است که اساساً معیار درستی نیز نیست. بهترین کار این است که ببینید کدامیک از این موارد مصداق کمتری دارند و از این روش استفاده کنید. در این مثال، شکل دارای مصداق بیشتری است (شامل همه مثلث‌ها، همه مربع‌ها، همه مستطیل‌ها و ...) اما مصادیق مثلث کمتر است. (شامل همه مثلث‌ها)

◀ آن‌چه تاکنون در مورد دو واژه کلیدی «مفهوم و مصداق» گفته‌ام برای درک مفاهیم جزئی و کلی الزامی است که در ادامه خواهد آمد.

مفاهیم «کلی» و «جزئی»



مفاهیم کلی و جزئی را به دو شکل برای شما توضیح خواهیم داد تا هم این دو مفهوم را به خوبی یاد بگیرید و هم سؤال‌های تشریحی و تستی را به درستی پاسخ دهید. ابتدا از تعریف مفهوم جزئی و کلی شروع خواهیم کرد و بعد چند نکته کلیدی خوب به شما یاد خواهیم داد.

◀ تعریف «جزئی»: «مفهومی است که فقط بر یک مصداق خارجی دلالت می‌کند.» مانند: «تهران» یا «قله دماوند»

◀ تعریف «کلی»: «مفهومی است که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق دارد.» مانند: معلم یا سفید.

تمرین



لطفاً بگویید حیوان چرا مفهوم کلی است؟

..... حدس می‌زنم که گفته‌اید «چون وقتی مفهوم «حیوان» را تصور می‌کنم بیش از یک نمونه می‌توانم برایش در عالم خارج از ذهنم تصور کنم. مثل گنجشک یا مثل اسب.» استدلال درستی داشته‌اید. حال بگویید مفهوم «گنجشک» کلی است یا جزئی؟

◀ پاسخ لطفاً پاسخ دهید بعد جواب مرا ببینید. امیدوارم درست گفته باشید. باید می‌گفتید که مفهوم کلی است. چرا؟ چون گنجشک، در عالم خارج از ذهن من و شما فقط شامل یک گنجشک نیست بلکه هر روز هر کدام از ما تعداد زیادی از این پرنده را می‌بینیم که هر کدام گنجشک هستند.

نکته ۱: «قرار نیست زیر مجموعه‌های یک مجموعه الزاماً جزئی باشند.»

یعنی: قرار نیست گنجشک، چون زیر مجموعه حیوان است، آن‌گاه آن را جزئی بدانیم، چرا که خود این زیر مجموعه در درونش عضوهای زیادی دارد.

خوب الان بگویید که مفهوم خط، کلی است یا جزئی؟

..... درست گفته‌اید مفهوم خط دارای مصداق‌های زیادی است. مثل «خط راست» یا «خط خمیده». حال بگویید که خط خمیده چگونه مفهومی است؟ بله مانند سؤال فوق است. این مفهوم نیز دارای مصداق بی‌شماری است. شما هر خط خمیده‌ای که بر روی کاغذ بکشید یک مصداق برای خط خمیده محسوب می‌شود. چند خط خمیده می‌توانید بکشید؟ بی‌شمار!

حالا این سؤال مطرح می‌شود که در مورد خط و خط خمیده و خط راست، چه سؤالی را می‌توان مطرح کرد که جزئی باشد؟

اگر من یا شما این جمله را بگوییم، اشاره به مفهوم جزئی خواهد داشت: «خط راستی که دیروز در کلاس کشیدم». این خط راست، اشاره به مفهوم جزئی دارد. چرا که فقط و فقط اشاره به یک خط راست در عالم واقعیت می‌کند.

نکته ۲: «هرگاه مفهومی در عالم خارج از ذهن ما، اشاره به یک مصداق بکند؛ ما با مفهوم جزئی سروکار داریم.»

این دو عبارت را در نظر بگیرید و بگویید که خانه ما در این دو عبارت جزئی است یا کلی؟

۱. اینجا خانه ما است که نزدیک خیابان اصلی شهر است.

۲. «خانه ما، یک ترکیب اضافی است.»

جمله اول را می‌توانیم به دلیل وجود «این» در ابتدای «خانه ما» به راحتی تشخیص داده و بگوییم که «مفهوم جزئی» است.

در مورد جمله دوم نیز باید بگوییم که «خانه ما» در این جمله به معنای لفظی آن بررسی شده است نه به معنای مصداقی آن، پس «مفهوم کلی» است.

نکته ۳: «مفهومی که به یک ضمیر معینی بازگردد باید آن را در جمله بررسی کرد که مفهوم جزئی است یا کلی»

این سؤال را با هم حل کنیم تا یک نکته دیگر از بحث تصور جزئی و کلی در ذهنمان جا بیفتد:

«دیو»، «شاه پریان»، «ازدهای سرخ»، «سیمرغ» مفهوم کلی هستند یا جزئی؟ در پاسخ نکته چهارم را مطالعه کنید.

نکته ۴: «تمام مفاهیمی که «خیالی» و «وهمی» هستند، مفهوم کلی محسوب می‌شوند.»

یک چالش جدی:

به من بگویید که «این ازدهای سرخ» چگونه مفهومی است؟ کلی یا جزئی؟ اگر به «ازدهای سرخ» توجه کنید، خواهید گفت مفهوم کلی و اگر به رابطه‌اش با «این» توجه کنید خواهید گفت: مفهوم جزئی. حال کدام درست است؟ پاسخ مفهوم جزئی است.

تمرین

جاهای خالی زیر را پر کنید و دلیل آن را درست در مقابل آن یادداشت کنید. لطفاً انجام دهید و بعد به پاسخ‌های من نگاه کنید.

گروه الف

۱. تهران: چون:
۲. حافظ: چون:
۳. معلم: چون:
۴. انسان: چون:
۵. عدالت: چون:
۶. شکل سه ضلعی: چون:

نظر من این است: ۱. «تهران» حتماً و بدون شک مفهوم جزئی است چرا که اشاره به یک شهر خاص می‌کند و مهم‌تر از آن، هرگاه ما با اسم علم (اسم خاص) سروکار داشته باشیم حتماً آن مفهوم، جزئی خواهد بود. ۲. در مورد «حافظ» راه حل سریع باید بگوییم که هم می‌تواند جزئی باشد و هم می‌تواند کلی باشد. شما شاید بگویید: «آقا! حافظ که اسم خاص یا علم است. پس متمماً جزئی است. کلی نمی‌تواند باشد.» من می‌گویم قسمت اول حرف شما درست است. «حافظ» وقتی اسم خاص باشد، مفهوم جزئی است، ولی اگر «حافظ» را در معنای لغوی در نظر بگیریم یعنی به معنی «حفظ کننده»، در این صورت مفهوم کلی است. لطفاً احساس کلافگی نکنید! الان می‌توانید با این قاعده که می‌گوییم از عهده پاسخ‌گویی این نوع سؤال‌ها برآیید. اگر سؤال چهار گزینه‌ای داده بودند که: «کدام گزینه مفهوم جزئی است؟» و گزینه‌ها این موارد بود:

۱. انسان ۲. تهران ۳. حافظ ۴. عدالت در این صورت می‌گفتیم تهران از حافظ بیشتر به مفهوم جزئی نزدیک‌تر است، چرا که «حافظ» هم قابلیت مفهوم جزئی دارد و هم قابلیت مفهوم کلی، ولی «تهران» فقط اشاره به مفهوم جزئی دارد. حال اگر گزینه‌ها این موارد بود:

راه حل سریع

۱. انسان ۲. شکل سه ضلعی ۳. حافظ ۴. عدالت در این صورت «حافظ» مفهوم جزئی بود چون با توجه به گزینه‌های دیگر می‌توانیم بگوییم که «انسان و شکل سه ضلعی و عدالت» بی‌شک کلی هستند اما اگر حافظ را به عنوان یک شاعر مشخص شیرازی بگیریم در این صورت حافظ جزئی است.

۳. در مورد «معلم» باید بگوییم که این واژه برای من کلی تداعی دارد که برای شما هم که این متن را می‌خوانید همین‌گونه است، پس بی‌شک مفهوم کلی است. ۴ و ۵ و ۶. در مورد این سه مورد هم مانند «معلم» می‌شود استدلال کرد. هر کدام از این سه مورد دارای مصداق زیادی هستند، پس مفهوم کلی هستند.

روش پاسگویی به سؤال‌های تستی مفهوم جزئی و کلی،

یادتان باشد که همیشه یک مفهوم نسبت به یک مفهومی می‌تواند

کلی باشد و نسبت به یک مفهوم دیگر جزئی باشد. پس، همواره

گزینه‌ها را با هم مقایسه کرده و سپس پاسخ دهید.

۱۵۵. **گزینه ۳** در گوشی اسم «علی» را می‌بینیم که «لفظ» مشترک بین دو دوست هم نام است. پس خطای لفظی باعث ایجاد خطا شده است. اما این خطای لفظی باعث ایجاد چه نوع خطایی شده است؟ خطا در واقعیت (خارجی)! ما تماس گرفتیم و در واقعیت دیدیم که همان علی که ما فکر می‌کردیم نیست.

۱۵۶. **گزینه ۱** خطای لفظی موجب خطای ذهنی شده است.

۱۵۷. **گزینه ۴** گزینه چهار در واقع مفهوم گزینه یک را نقض می‌کند پس یکی از این دو نادرست است. گزینه چهار نادرست است. (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

۱۵۸. **گزینه ۴** ابتدا مطمئن باشید که نتیجه‌گیری نادرستی وجود دارد و بعد به دنبال مغالطه بگردید. نتیجه که «خانه ارزان گران است.» مفهوم درستی نیست، پس: مغالطه وجود دارد. اما این مغالطه، مغالطه اشتراک لفظ است. چرا که «کمیاب» در مقدمه اول به معنای این است که: خانه ارزان قیمت، سخت پیدا می‌شود. اما در مقدمه دوم به این معنی است که: کمیاب به معنای نادر و ارزشمند است.

۱۵۹. **گزینه ۲** «دوست چهل ساله» هم به معنای دوستی است که چهل سال دارد و هم به معنای این است که دوستی است که چهل سال با او دوست است. پس اشتراک لفظ است. به چه دلیلی «ابهام در عبارات» نیست؟ به این دلیل که «دوست چهل ساله» به خودی خود دو معنا دارد نه این که در یک عبارت دو معنا یافته است. به چه دلیل «شیوه نگارش کلمات» نیست؟ به این دلیل که با گذاشتن علامات سجاوندی تغییر ایجاد نشده است.

۱۶۰. **گزینه ۲** در عبارت اول، «قیمت نداشتن» دو معنا دارد: ۱. بی‌ارزش بودن ۲. با ارزش بودن. پس اشتراک در لفظ است. در عبارت دوم، «عکس گرفتن» دو معنا دارد: ۱. دریافت کردن عکس ۲. عکس انداختن

۱۶۱. **گزینه ۱** منظور آن فرد از درختان، میوه درختان بوده است. یعنی دلالت التزام. هرگاه مغالطه به وسیله درک نادرست از دلالت باشد یعنی دلالت مطابقه را به جای دلالت التزام در نظر گرفته باشد، مغالطه توسل به معنای ظاهری روی می‌دهد.

۱۶۲. **گزینه ۱** اگر بگوییم سقف ولی منظورمان دیوار باشد، یعنی دلالت التزام است. اگر بگوییم ماشین ولی منظورمان راننده باشد، باز به چیز دیگر چون اشاره می‌کند، دلالت التزام است. اگر بگوییم خانه ولی منظورمان اتاق باشد، به بخشی از خانه اشاره شده است، پس دلالت تضمن است.

۱۶۳. **گزینه ۴** مسابقه‌دهندگان، از شهرهای زیارتی، تداعی‌هایی همچون مشهد داشتند. اما برگزارکنندگان، شهرهای زیارتی را «شهر ری» بیان کرده‌اند در واقع توسل به معنای ظاهری کرده‌اند.

۱۶۴. **گزینه ۴** سعی می‌کنم این متن را دقیق‌تر از بقیه متن‌ها توضیح دهم. ببینید «آغاز فعالیت» از نظر سخنران این است که بخشی از فعالیت‌ها آغاز شده است. یعنی دلالت تضمن. اما شنوندگان آغاز فعالیت را همه فعالیت‌ها می‌فهمند. پس مغالطه در دلالت‌ها صورت می‌گیرد که در این صورت مغالطه توسل به معنای ظاهری می‌شود.

۱۶۵. **گزینه ۱** در عبارت اول، «شما» در عبارت می‌تواند هم به نقش مفعولی باشد به این معنی که: من از این که شما را راهنمایی کردم، پشیمانم. و می‌تواند نقش فاعلی داشته باشد به این معنی که: من از راهنمایی که شما به من کردید، پشیمان هستم. در این صورت دقت کنید که نگویید اشتراک لفظی است. چون اشتراک لفظی یک لفظ به دو معنی است. اینجا شما یک لفظ است با یک معنی. اما نقش شما در عبارت متفاوت است پس می‌شود: «ابهام در عبارات»

در عبارت دوم بستگی به جایی که کمی وقفه در خواندن می‌کنیم یعنی علامت سجاوندی ویرگول، معنای جمله متفاوت می‌شود:

۱. اجناس دزدیده شده، توسط مأمورین کشف شد.
۲. اجناس دزدیده شده توسط مأمورین، کشف شد. (صفحه ۱۸ و ۱۹ کتاب درسی)

۱۶۶. **گزینه ۲** هر دو می‌توانند مغالطه نگارشی کلمات را ایجاد کنند.

(صفحه ۱۸ کتاب درسی)

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۵۲. **گزینه ۱** «انسان» در عبارت اول، اشاره به حوزه زبان یا حوزه لفظ دارد. در عبارت دوم «انسان» انسان واقعی و خارج از ذهن مدنظر است که نیاز به غذا دارد. پس به حوزه عالم خارج از ذهن یا عالم واقع متعلق است. در عبارت سوم، اشاره به حوزه ذهن دارد چرا که این انسان در اندیشه آن گوینده جمله است.

۱۵۳. **گزینه ۳** نرگس، اسم فرد معینی خارج از ذهن در این عبارت نیست پس نمی‌تواند متعلق به عالم واقع و خارج ذهن باشد. نرگس در این جا به لحاظ زبانی تحلیل نشده است، پس، مربوط به حیطه زبان یا لفظ نیست. پاسخ، حیطه ذهن است.

۱۵۴. **گزینه ۳** «کتاب» به خودخودی خود لفظ است و لفظ به حیطه زبان تعلق دارد. «معنا» به حیطه ذهن تعلق دارد. پس عبارت اول می‌شود: حیطه زبان به حیطه ذهن. در عبارت دوم، «کتاب» باز به حیطه زبان تعلق دارد و «مصادیق» به حیطه خارج از ذهن یا حیطه واقع. پس می‌شود: حیطه زبان به حیطه واقع.

(صفحه ۱۲ کتاب درسی)